



## فردوسی در کانون موسسه ی بین المللی گفت و گوی فرهنگ ها و تمدن ها

تنظیم از: محسن مهرابی

اندیشه‌های تئودور نولدکه درباره‌ی شاه‌نامه پرداختند که گفته بود شاه‌نامه کتابی است نظیر و مانند آن در نزد هیچ ملتی یافت نمی‌شود. این سخن نولدکه بیان‌گر تأثیر مثبت شاه‌نامه بر فرهنگ و تاریخ ایران است. از آن جا اعتبار می‌گیرد که او آشنا و متخصص در ادب سایر ملت‌ها نیز هست و این سخن را به گزافه و یا از روی تعصب و خامی نگفته است.

استاد اسلامی ندوشن پس از این مقدمه، بخش عمده‌ی کلام خود را به تأثیر شاه‌نامه بر ادب و تاریخ ایران اختصاص دادند:

از آن‌جا که ستم ستیزی پایه و اساس تاریخ ایران زمین است اگر شاه‌نامه نبود ایران حافظه‌ی تاریخی خود را از دست می‌داد. در شاه‌نامه توران نماینده بدی و ایران نماینده خوبی است. جنگ بین ایران و توران باید ادامه داشته باشد تا زمانی که نیکی بر بدی و پلیدی پیروز شود. شاه‌نامه ستم ستیزی را در مقابل ستم‌پذیری قرار می‌دهد و این حدیث پیکار اهورامزدا و اهریمن یا سپیدی و سیاهی است که همراه همیشه‌گی تاریخ است. بازگشایی تاریخ ایران که تا امروز باعث مانده‌گاری حافظه‌ی تاریخی ایران شده یکی از بزرگ‌ترین خدمات حکیم توس است. حافظه‌ی تاریخی با زبان حفظ می‌شود و شاه‌نامه حفظ کننده زبان دری است. جای‌گاه زبان فارسی با آمدن شاه‌نامه محکم و استوار شد که در آن از واژه‌های بی‌گانه به ویژه واژه‌های تازی استفاده‌ای بسیار اندک شده است و این باعث مانده‌گاری زبان است. اما آیا همین ویژه‌گی شاه‌نامه می‌تواند سبب مانده‌گاری زبان پارسی در هزاره اخیر بشود؟! به راستی علت مانده‌گاری زبان فارسی از هزار سال پیش به این سو روانی و شیوایی زبان فردوسی است. شما در

۲۲ میلیونی پیشین بودند. ایشان نگاه فردوسی و فرهی (فره ایزدی) وی را از موضوع‌هایی دانستند که می‌توان در گفت‌وگوی تمدن‌ها از آن استفاده کرد. خاتمی یادآور شد که قرار دادن فرهی در مقابل کاریزما اشتباهی فاحش است و باید فرهی را مترادف با حکمت قرار دهیم. از این دیدگاه هر شاهی در شاه‌نامه صاحب فرهی (فره ایزدی) نیست. برخی شاهان و شخصیت‌ها در شاه‌نامه از حکمت بی‌بهره‌اند و در همین جا است که مورد نكوهش و سرزنش شاعر حماسه‌سرا و ملی ما قرار می‌گیرند.

رئیس جمهور پیشین کشورمان در بخش دیگری از سخنانش، فردوسی را افلاتون مسلمان نامید که پیرو کامل فلسفه‌ی افلاتونی است و می‌تواند نماینده‌ی بزرگ فرهنگ خردمندانه‌ی ما باشد و بسیار سخنان دل‌نشین و خردمندانه‌ی دیگری که در مورد فردوسی و شاه‌نامه بیان فرمودند. مجله‌ی فردوسی بسیار امیدوار است که بتواند گزارش جامعی در رابطه با خردمندی فردوسی و کاریزمای موجود در گفت‌وگوی تمدن‌ها برای علاقه‌مندان جهانی با جناب خاتمی داشته باشد.

**دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن** شاه‌نامه شناس خردورز و با سابقه، دیگر سخن‌ران این نشست بود که سخنش را با بیان اندرز خسرو پرویز به پسرش شیرویه آغاز نمود که ایران همیشه از چهار سو مورد هجوم و به راستی گذرگاه حوادث بوده است. وی با یادآوری این نکته که ایران را ناف زمین گفته‌اند ادامه داد که پیام خسرو پرویز فقط برای شیرویه نیست، بلکه برای تمام ایرانیان در گذر از تاریخ است که سرزمینشان را پاس بدارند. **دکتر اسلامی** سپس با طرح این پرسش که اگر شاه‌نامه نبود ایران را چه می‌شد؟ به بیان

موسسه‌ی بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به مناسبت روز جهانی حکیم فرزانه و معمار کاخ فناپذیر ادب فارسی، بزرگ‌داشتی را در تاریخ ۸۷/۲/۱۹ در سالن موسسه برگزار کرد. در این مراسم باشکوه صاحب‌نظران عرصه‌ی فرهنگ و ادب، شاه‌نامه‌پژوهان و شاه‌نامه‌دوستان حضور داشتند. صحبت از جای‌گاه فردوسی و نقش او در تاریخ، ادب و فرهنگ ایران زمین سخنی تازه نیست اما آن را از هر زبانی که بشنویم دل‌نشین و دل‌پذیر است.

در ابتدای مراسم، **احمد مسجد جامعی** نماینده‌ی شورای اسلامی شهر تهران سخنانی فراگیر و خردمندانه را درباره‌ی نسخه‌های کهن شاه‌نامه ایراد کردند. ایشان شاه‌نامه‌ی بایسنجری، تحریر شده به سال ۸۳۳ هجری، را اثری استثنایی و نادر خواندند که می‌تواند در زمینه‌ی شاه‌نامه پژوهی راه‌گشای خردورزان و جوانان باشد. نسخه‌ی بعدی اشاره شده توسط ایشان شاه‌نامه‌ی طهماسبی بود که علاوه بر ویژه‌گی‌های خاص ادبی در زمینه‌ی هنر به ویژه هنر نقاشی و مینیاتور نیز حائز اهمیت است. در این شاه‌نامه آثار نفیس و گران‌بهایی از مینیاتورهای ایرانی دیده می‌شود که بر ارزش ادبی و قدمت اثر افزوده‌اند. وی در بخش دیگری از سخنانش از خردمندی فردوسی و توجه او به جای‌گاه خرد در تعالی و رشد انسانیت اشاره کرد که حکمت مکرر کلام حکیم فرزانه‌ی توس است. اشاره به شاه‌نامه‌ی فلورانس نیز بر جذابیت کلام **احمد مسجد جامعی** بسی بیش‌تر افزود.

سخن‌ران دیگر این نشست **جناب آقای سیدمحمد خاتمی رئیس موسسه بین‌المللی گفت و گوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها** و ریاست محترم جمهوری

بررسی زبان ملت‌های مختلف در گذر زمان برای دو یا سه قرن اخیر، کشور یا ملتی را نمی‌یابد که گویش‌وران امروزی آن بتوانند زبان و قلم ۲۰۰ الی ۳۰۰ سال پیش خود را بفهمند مگر این که آن را برایشان شرح دهند. اما زبان فارسی و گویش‌وران آن از چنین موهبتی برخوردارند و این مدیون فردوسی است که اگر او و شاهنامه‌اش

نبود هیچ شاعر بزرگ و صاحب سبکی نمی‌توانست وجود داشته باشد. این سخن گزافه نیست که ناصر خسرو، خیام، حافظ، سعدی، مولانا و سایرین اشعارشان را به تقلید از شاهنامه سروده‌اند.

دیوان حافظ یک شاهنامه‌ی کوچک است. فضای شعر حافظ، فضای ایران باستان را تداعی می‌کند. سخن او از سیاوش و جم و کی خسرو نشان دهنده‌ی این امر است که حافظ تحت تاثیر شاهنامه بوده است.

ادبیات عرفانی مهم‌ترین بخش ادب فارسی است. یک شاخه‌ی عرفان ایرانی به ایران باستان و شاخه‌ی دیگر آن به شاهنامه برمی‌گردد. ایرانی در طول تاریخ و تمدن خود شخصیتی زمینی آسمانی داشته است. یک چشم او به زمین (کشاورزی) بوده و چشم دیگرش به آسمان (باران) در طلب خشکی و خشک‌سالی سرزمین ما برمی‌گردد. در شاهنامه قهرمان‌هایی عارف مسلک می‌بینیم. ایرج عارف پاک شاهنامه و سیاوش عارف خاص آن است. کی خسرو عارف پاک باخته‌ی

حماسه‌ی ملی ما مرگ خود را طلب می‌کند و همان زمان که طلب مرگ می‌کند می‌میرد. رکن اصلی عرفان ایران و امور کائنات در شاهنامه محسوس است. رابطه‌ی انسان و خدا که بعدها در عرفان مولوی و عطار و دیگران بسط پیدا می‌کند از شاهنامه است.

شاهنامه این اثر جهانی زمینی راه زندگی کردن را به ما می‌آموزد. سه محور اخلاقی در شاهنامه؛

**خرد، داد و دهش** هستند. در شاهنامه خرد اصل انکار ناپذیر است و هیچ کتابی تا به این حد برای خرد اهمیت قائل نیست. پرسشی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا توجه به خرد تناقضی با عرفان گزایی فردوسی ندارد؟ در **عرفان ایرانی عقل بسیار مورد هجوم عارفان قرار می‌گیرد؟ توجه به این نکته بسیار مهم**

است که **خرد با عقل تفاوت دارد. عقل جلوی تندی روی را می‌گیرد اما خرد اصلا اجازه نمی‌دهد که کج روی صورت پذیرد.** راه بسیار باریکی بین خرد و عقل وجود دارد. از دیدگاه فردوسی داد به معنی عدالت اجتماعی است و دهش مترادف اقتصاد قرار می‌گیرد.

نکته‌ی حائز اهمیت دیگر در شاهنامه توجه فردوسی به نام است در این کتاب نام یعنی آبرو، انسانیت، بزرگی، والامقامی و ... نام بر انسان نهاده می‌شود و انسان در چنان جای گاهی است که چه در جبهه‌ی ایران باشد و چه در جبهه‌ی توران مهم و ارزشمند می‌شود. اندرزه‌های شاهنامه یعنی تلاش برای انسان خوب شدن. در بین تمام شاعران،

خردورزان و اندیش‌مدان ایرانی پس از فردوسی خرد حکیمانه‌ی حماسه‌سرای بزرگ توس گسترش می‌یابد.

خیام و اندیشه‌هایش عصاره‌ی شاهنامه می‌باشند. **خیام برعکس تصور عامه لذت دور از خرد را نمی‌جوید.** همان‌گونه که فردوسی چنین است. **فردوسی و شاهنامه پرورش دهنده‌گان شادی و خوش حالی در زندگی هستند که باید قدر زمان**

خوش را دانست و از آن بهترین استفاده را کرد. اما، حقیقت این است. فردوسی هیچ‌گاه و هرگز صوفی نبوده است. چرا؟ برای این که صوفی به خاک و وطن و سرزمین‌اش اهمیتی نمی‌دهد. (برای صوفی دم غنیمت است، حال در هر جایی که می‌خواهد باشد. صوفی می‌گوید خرقة‌پوش است و قصدش سیر انفس است در جهان و نه در وطن. به باور صوفی هر کجا که خوش بگذرد، آن‌جا وطن است در حالی که سرتاسر وجود فردوسی مام و مهر میهن است.

خردی که فردوسی به آن می‌بالد، خرد زمینی و خاکی نیست. خرد فردوسی حتما مخصوص خود او نیست. فردوسی آن چنان خردمند است که در هنگام، به شاهان نیز می‌تازد و آن‌ها را نکوهش می‌کند. اختلاف فردوسی با محمود غزنوی در همین اصل است. محمود غزنوی وزیری مانند احمد میمندی تسلیم شده و ضدزبان پارسی را می‌خواهد و نه اسفرائینی استوار و پارسی پرور را. او از فردوسی و از رستم ستم‌پذیر خوشش می‌آید و نه فردوسی و رستم ستم‌ستیز.)

دکتر اسلامی ندوشن در پایان سخن‌های خود به واژه‌ی ایران و اهمیت و تقدس آن اشاره کرد. ایران یکی از واژه‌گانی است که حتا در مقابل خرد می‌ایستند و خرد را پس می‌زند. اما منظور فردوسی از ایران خاک و باورهای شو و نیستی نیست، بلکه اهمیت و شخصیت و والامقامی مردمی است که در این خاک زندگی می‌کنند. ایران برای فردوسی هر سرزمینی است که در آن خرد باشد.

**دکتر ضیایی** آخرین سخن‌ران این بزرگ‌داشت با موضوع نقش فردوسی در عرفان ایرانی نکته‌هایی عالمانه‌ای را برای حاضران بیان کردند. صد افسوس که وقتی برای این دانشمند فرزانه، جوان و شاهنامه‌شناس خردمند، اما گم‌نام باقی نبود تا آن چه را که در دل دارد و به راستی تاکنون کم‌تر شاهنامه پژوهی به آن پرداخته است بازگوید. دکتر ضیایی در چند جمله، فقط در چند جمله اشاره کرد که **اتحاد نامقدس، حیل‌گرا، ضدبشری و مادی تازیان و ترکان (یعنی شمشیر خون‌ریز مغولان و شریعت دروغین خلفای اموی و عباسی) آتشی بر سر فرهنگ و تمدن دیرپای ایران ریخت که صدها سال دوام آورد و آن چه که در آثار تاریخ تمدن و فرهنگ بشری دیده می‌شود که ایران پرچم‌دار آن بود برای همیشه سوخت و نابود کرد.**

دکتر ضیایی به سردبیر مجله‌ی فردوسی این قول را داده است، اگر چه ساکن هندوستان است، رونوشتی از نسخه‌ی شاهنامه را که به تازه‌گی در هندوستان کشف شده و گفته می‌شود متعلق به فردوسی است برای ادامه‌ی پژوهش‌های شاهنامه شناسی در اختیار مجله قرار دهد.

«ایدون باد»

